

اشاراتی به پیامدهای خروج نظامیان آمریکا و ناتو از افغانستان و خطر قدرت گیری طالبان

عیسی پهلوان

جو بایدن رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی روز ۱۴ آوریل اعلام کرد که دولت آمریکا نیروهای نظامی اش را پس از بیست سال از افغانستان خارج خواهد کرد. اقدامی که سایر کشورهای هم پیمان ناتو هم در آن سهیم خواهند بود. او گفت که زمان آن فرارسیده است تا طولانی ترین جنگ آمریکا پایان یابد. شمار نظامیان آمریکایی در این تاریخ در افغانستان حدود ۲۵۰۰ نفر و سایر نظامیان عضو ناتو ۷۵۰۰ نفر بود. بایدن اعلام کرد که از نیروهای امنیتی و نظامی افغانستان همچنان از سوی آمریکا پشتیبانی خواهد شد. آمریکا و ناتو اعلام کرده اند که تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱ همه نیروی نظامی شان را خارج خواهند کرد. دولت ترامپ از سال ۲۰۱۸ در پی خروج نظامی آمریکا از افغانستان بود و با انجام مذاکرات دوجانبه در دوحه ی قطر با گروه تروریستی اسلام گرای طالبان زمینه های این خروج را فراهم دید و توانست در فوریه سال ۲۰۲۰ توافق نامه ای را با این گروه با اشاره به تاریخ خروج آخرین نظامیان آمریکایی در اول ماه مه ۲۰۲۱ به انجام رساند. بدترین وجه این گفتگوها و قرارداد به رسمیت شناختن یک گروه بسیار واپسگرای تروریست اسلامی از سوی دولت آمریکا و عملا دیگر هم پیمانان آن بود. دولت بایدن اعلام کرد که خارج کردن نظامیان آمریکایی تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱ به درازا خواهد کشید. طالبان همراه با تهدیدهای تبلیغاتی، اما این دیرکرد را پذیرفت و نیروهای آمریکایی و ناتو خروج خود را آغاز کرده اند.

با خروج ارتش شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹ و تشدید جنگ داخلی در این کشور، گروه اسلام گرای افراطی طالبان در سال های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ با شرکت بخشی از طلبه های سنی مذهب افغانی ساکن پاکستان که در مدرسه های مذهبی آن درس می خواندند و ملایان سنی افغانی که از سوی عربستان سعودی پشتیبانی می شدند پایه ریزی شد. این گروه از طلبه ها و ملایان واپسگرا با شعار برقراری امارت اسلامی و اجرای شریعت اسلامی و با پشتیبانی پاکستان و عربستان سعودی از مرزهای جنوبی گذرکرد و توانست در سال ۱۹۹۶ کابل را تسخیر کند و قدرت سیاسی در افغانستان را در اختیار گیرد و حکومت ملایان سنی مذهب و در واقع مانند حکومت اسلامی در ایران، خلافت اسلامی را در افغانستان برقرار کند. ازدهای بنیاد گرایی و اسلام افراطی که با پیروزی انقلاب ۵۷ و بنیادگذاری حکومت ولایت فقیه در ایران، در خاورمیانه و کشورهای اسلامی سربر آورده بود با سازماندهی و پشتیبانی آمریکا و انگلیس از گروه های اسلامگرا در جنگ با حکومت چپگرای افغانستان و ارتش شوروی، سرهای دیگری پیدا کرد و در تداوم خود شکل طالبانی حکومت در افغانستان را یافت. طالبان همانند داعش و جمهوری اسلامی یورش به حقوق زنان و همه دستاوردهای دوران مدرن را به نام اجرای شریعت اسلامی آغاز کرد. حجاب برای دختران و زنان افغانی اجباری و حق آموزش در هر سطحی از آنان گرفته شد زنان افغانی اجازه کار نداشتند و برای بیرون رفتن از خانه باید یک مرد خانواده آنها را همراهی کند. بریدن دست، سنگسار، زدن شلاق، بریدن سر و اعدام در مکان عمومی به عنوان مجازات شرعی و اجرای قانون الهی برقرار گردید. در سال های سیاه حکومت طالبان، سینما، موسیقی، تئاتر، تلویزیون و حتی عکاسی ممنوع بود. در آن سال ها گروه تروریستی اسلامی القاعده در همکاری با حکومت طالبان توانست فعالیت های تروریستی اش را گسترش بخشد.

با سرکار آمدن دولت نومحافظه کار بوش - چینی، نقشه های جدید حکومت آمریکا پس از فروپاشی شوروی و پیمان ورشو، برای سرکردگی جهانی و تنها ابرقدرتی، و ایجاد به اصطلاح خاورمیانه بزرگ وارد دوره جدیدی شد. پس از اقدام تروریستی و جنایتکارانه برخورد هواپیماهای مسافربری به برج های دوقلو در نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که با کشته و زخمی شدن هزاران نفر همراه بود، و پس از بی توجهی به خواست آمریکا برای بیرون راندن گروه طالبان از افغانستان و تحویل اسامه بن لادن رهبر جنایتکار القاعده از سوی طالبان، آمریکا و انگلیس در اکتبر ۲۰۰۱ حمله های هوایی به دولت طالبان را آغاز کردند. در آغاز دسامبر قندهار مرکز اصلی گروه طالبان سقوط کرد و با یاری اتحاد شمال، حکومت امارت اسلامی طالبان، دوماهه سرنگون شد و گروه القاعده و بن لادن از افغانستان فراری شدند. نظامیان آمریکایی و هم پیمانان ناتوی اش در کابل و سپس در دیگر منطقه های افغانستان استقرار یافتند. چنانچه هدف تنها رویارویی با گروه های اسلامگرای تروریستی و جنایتکار طالبان و القاعده می بود بر سرکار آمدن دولت جدید در افغانستان می باید پایان دخالت نظامی خارجی باشد. اما دولت آمریکا از سال ۲۰۰۲ با همکاری هم پیمانان خود به افزایش نیروهای نظامی دست زد و تا سال ۲۰۰۴ شمار نظامیان آمریکایی در افغانستان به ۲۰۰۰۰ نفر رسید. در این سال نشانه های روشنی از بازگشت گروه طالبان به میدان جنگ با دولت افغانستان و نظامیان خارجی دیده شد. با افزایش اقدام های نظامی و تروریستی طالبان بر شمار نظامیان خارجی و بویژه آمریکایی در افغانستان افزوده گشت و شمار

نظامیان آمریکایی در اوج خود در سال ۲۰۱۱ در دوره ی اوباما به بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر و مجموع شمار نظامیان ناتوی به ۱۴۰۰۰۰ نفر رسید. از این سال به بعد شمار نظامیان آمریکایی و دیگر کشورهای عضو ناتو رو به کاهش نهاد و تا پایان سال ۲۰۱۶ شمار نظامیان آمریکایی به ۹۰۰۰ نفر رسید. با برسرکار آمدن دولت ترامپ موضوع توافق با طالبان و خروج ارتش آمریکا از افغانستان مورد توجه جدی قرار گرفت و نمایندگان دولت آمریکا و گروه طالبان در اکتبر ۲۰۱۸ در دوحه ی قطر گفتگوهای دوجانبه صلح را بدون مشارکت دولت افغانستان و اعضای ناتو آغاز کردند. یک سال و اندی بعد در فوریه ۲۰۲۰ توافق نامه صلح میان دو طرف بوسیله زلمی خلیلزاد از سوی آمریکا و ملا عبدالغنی برادر از سوی طالبان به امضا رسید. در روزامضای توافق نامه، شیرمحمد استانکزی از سرکردگان طالبان در قطر با خواندن سوره ی نصر، توافق صلح با آمریکا را پیروزی گروه طالبان اعلام کرد و ملا هیت الله رهبر این گروه هم نوشت که «امارت اسلامی» پس از نوزده سال «جهاد و مبارزه» برای پایان اشغال افغانستان، به توافق دست یافت. در توافق نامه، طالبان پذیرفت که از خاک افغانستان علیه آمریکا و هم پیمانانش اقدامی نکند و آمریکا پذیرفت در مدت ۱۴ ماه افغانستان را ترک کند. طالبان پذیرفت که مناسباتی با القاعده و داعش نداشته باشد و آمریکا هم تحریم ها علیه طالبان را بردارد. گویا در یک بخش الحاقی این توافق از حلقه محافظتی طالبان از نظامیان آمریکایی و ناتو در برابر حمله های احتمالی داعش سخن رفته است. با آزادی زندانیان طالبان و دولت افغانستان توافق و قرار شد که گفتگوها درباره ی برقراری آتش بس و آینده افغانستان میان گروه طالبان و دولت افغانستان آغاز شود. گر چه با برسرکار آمدن دولت بایدن، اما و اگرهایی از سوی دولت جدید آمریکا مطرح شد اما بزودی بر توافق صلح امضا شده در دوره ی ترامپ تاکید و خروج نظامی های آمریکا و ناتو از افغانستان آغاز شد و به زودی دفتر درازمدت ترین جنگ آمریکا و ناتو بسته می شود. جنگی که نزدیک به هزار میلیارد دلار برای آمریکا هزینه داشت. بروفق آمار دانشگاه براون مقدار هزینه ها ۹۷۸ میلیارد دلار بود، آمار رسمی دولتی آنرا حدود ۹۰۰ میلیارد دلار اعلام کرده است. این جنگ شاید در همین حدود برای سایر متحدان آمریکا هزینه دربرداشته است. هزینه ای که در ۲۰ سال گذشته صرف نظامیان آمریکایی مستقر در افغانستان شد با یک ارزیابی بینابینی حدود ۸۰۰ میلیارد دلار است و بقیه یعنی مبلغی حدود ۱۴۰ میلیارد دلار به کشور و دولت افغانستان اختصاص یافت که سهم بازسازی و تقویت ارتش و پلیس افغانستان حدود ۹۰ میلیارد دلار از این مبلغ بود. پولی که برای بازسازی افغانستان و زیرساختارهای این کشور و توسعه اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی آن صرف شد تنها سالی حدود دو میلیارد دلار بود، برای کشوری با جمعیتی حدود ۳۶ میلیون نفر. تلفات جانی این جنگ برای آمریکا ۲۳۰۰ نفر کشته و حدود ۲۰۰۰۰ زخمی بود، دیگر اعضای ناتو هم حدود ۱۰۰۰ نفر کشته داشته اند. در این مدت افغانستان حدود ۶۰۰۰۰ نیروی دولتی و بیش از صد هزار غیر نظامی تلفات داشته است و شمار زخمی ها به صدها هزار نفر می رسد. مردم افغانستان در همه این سال ها با عملیات انتحاری و انفجاری بربرمنشانه و ترور کنشگران فرهنگی و سیاسی افغانی از سوی طالبان و دیگر گروه های تروریستی اسلامی و ویرانی و خشونت و کشتار و درگیری های نظامی روبرو بوده اند.

خروج ارتش های آمریکا و ناتو از افغانستان موجب افزایش نگرانی ها در افغانستان و منطقه و جهان شده است، زیرا با تلاش های گروه طالبان برای ایجاد «حکومت اسلامی» بر پایه شریعت، خطر شدت یابی درگیری های بیشتر و حتی جنگ داخلی و تجزیه افغانستان از یک سو و در دست گرفتن قدرت دولتی بوسیله طالبان از دیگر سو وجود دارد. در توافق نامه دوحه، آمریکا شرط قطع رابطه طالبان با القاعده و داعش را گنجانده است اما آشکار است که این یک توجیه انحرافی بیش نیست زیرا طالبان هیچ تفاوت ماهوی با این تروریست های اسلامی و اسپرگرا ندارد و از آنها به مراتب خشن تر و سازمان یافته تر و گسترده تر و با امکانات مالی و انسانی بیشتر است.

نگرانی از قدرت گیری و برسرکار آمدن دوباره ی طالبان سبب شد تا در چند ماه گذشته گروه های غیر دولتی مسلح پا به میدان بگذارند. احمد مسعود فرزند احمدشاه مسعود با اشاره به خطر قدرت گیری طالبان گفت که به سازمان دهی نیروی مسلح خواهد پرداخت. ژنرال عبدالرشید دوستم هم تاکنون گروه بزرگی از طرفدارانش را در شمال افغانستان مسلح ساخته است. حزب وحدت به رهبری محمد محقق برای رویارویی با طالبان مسلح می شود. محمد اسماعیل خان از فرماندهان سابق نظامی در روزهای گذشته از آغاز حرکت مقاومت علیه طالبان در غرب افغانستان خبر داد و گفت در ولایت هرات هزاران نفر نیروی مسلح را برای جنگ با طالبان بسیج کرده است. با ادامه روند خروج ارتش های آمریکا و هم پیمانانش، روند مسلح شدن گروه ها و مردم افغان شدت خواهد یافت. اینک در استان بغلان که طالبان در آن برای تصرف شهرها دست به یورش نظامی زده است مردم منطقه زیر نام جنبش مردمی مسلح شده اند و در کنار نیروهای دولتی به مبارزه مسلحانه با طالبان پرداخته اند. افزون بر گروه های مسلح، نزد بسیاری از نیروهای سکولار و جمهوری و آزادی خواه و طرفداران حقوق زنان و کودکان و زندگی مدرن، نگرانی از بازگشت طالبان به قدرت افزایش می یابد. برغم نیروی ۳۰۰۰۰۰ نفری ارتش و پلیس افغانستان، به سبب فساد دولتی و اختلاف های درونی حکومت افغانستان و ناتوانی های ساختاری آن و عدم پشتیبانی نظامی آمریکا و ناتو از حکومت کنونی افغانستان در رویارویی با طالبان و اختلاف های قومی و قبیله ای و مذهبی بردامنه نگرانی ها افزوده می شود. اگر چه پس از امضای توافق نامه دولت آمریکا و طالبان گفتگوهای صلح میان طالبان و دولت افغانستان آغاز شد و در قطر بارها دیدار دوجانبه صورت پذیرفت اما با توجه به کوشش های طالبان برای استقرار حکومت اسلامی - امارت اسلامی - از راه تشدید درگیری های

نظامی، در نتیجه بخشی گفتگوهای صلح میان دو طرف تردیدهای جدی وجود دارد. با توجه به ناروشنی های آینده سیاسی افغانستان کشورهای همسایه و قدرت های منطقه ای و جهانی در فکر و چاره اندیشی در زمینه ی دگرگونی ها و برخوردهای احتمالی آینده هستند. آمریکا و اروپا و روسیه و چین و هند و پاکستان و ترکیه و جمهوری اسلامی ایران با موضع گیری ها و تحرک های گوناگون خود را برای ماه های آینده آماده می کنند. همسایگی افغانستان با ایران و پاکستان و تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان و چین بر اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک این کشور می افزاید و توجه و حساسیت دیگر کشورها از جمله روسیه و هندوستان و ترکیه و عربستان و آمریکا و اروپا و جمهوری اسلامی را به سرنوشت سیاسی افغانستان و آینده آن برمی انگیزاند.

پاکستان به عنوان هم پیمان نزدیک آمریکا و ناتو، در چهاردهه ی گذشته و بویژه پس از دخالت نظامی شوروی در افغانستان و برپایه استراتژی برژینسکی در ویتنامی کردن افغانستان برای شوروی رقیب آن زمانی جهانی آمریکا، نقش مهمی در رویدادهای افغانستان ایفا کرده است. پاکستان به سبب زیستگاه بخشی از قوم پشتون که پیوندهای نزدیکی با پشتون های افغانستان دارند و همچنین به عنوان کشوری اسلامی و سنی مذهب با استفاده از عامل مذهب و تقویت اسلام گرایی افراطی با استفاده از ابزارهای نظامی و امنیتی و قاچاق می کوشد در رویدادهای افغانستان تاثیر گذار باشد. پس از سرنگونی حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱ منطقه پشتون نشین پاکستان به پناهگاه فراریان الفاعده و طالبان بدل شد. رشید احمد وزیر کشور پاکستان چندی پیش گفت که خانواده های مقام های طالبان در پاکستان زندگی می کنند و زخمی هایشان به بیمارستان های پاکستان منتقل می شوند. افزون بر این پاکستان پیوندهای نزدیک اقتصادی با گروه طالبان دارد و بخش مهمی از تجارت مواد مخدر طالبان از راه پاکستان انجام می گیرد، - البته بخشی هم از راه جمهوری اسلامی و با همکاری «برادران قاچاقچی». بر اساس برآوردها، طالبان از تجارت مواد مخدر و مالیات وضع شده بر تولید آن حدود ۴۰۰ میلیون دلار درآمد سالانه دارد. افغانستان بزرگترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان و طالبان بزرگ ترین سازمان مسلح قاچاق مواد مخدر جهان است. آمارها نشان می دهند که طالبان غیر از مواد مخدر حدود ۲۵۰ میلیون دلار صادرات سالانه دارد که بخشی از آن مواد معدنی استخراجی از بخش های اشغالی اش را شامل می شود که بازار آن عمدتاً پاکستان است. حکومت پاکستان به عنوان یک متحد مهم آمریکا در منطقه که در سال های اخیر با دولت چین در زمینه پروژه راه ابریشم جدید همکاری های مهمی داشته است، با جمعیتی ۲۲۰ میلیونی و سلاح اتمی یکی از بازیگران مهم بازی استراتژیک شطرنج در افغانستان است. با توجه به رویارویی ها و دشمنی های دیرینه پاکستان و هند بویژه بر سر کشمیر، و در چند سال گذشته پیوندهای نزدیک این کشور با چین در گستره جاده ابریشم جدید و چالش های اقتصادی و ژئوپلیتیکی چین و آمریکا و حساسیت و توجه به پاکستان از سوی این دو دولت و دولت هندوستان، رویدادهای افغانستان و آینده آن برگ مهمی برای حکومت پاکستان در این بازی پیچیده است که گروه های سیاسی و نظامی و امنیتی آن می کوشند با استفاده از روابط نزدیک با پشتون ها و گروه طالبان حداکثر بهره برداری از آن را بنمایند. با افزایش قدرت طالبان در افغانستان موقعیت حکومت پاکستان به عنوان پشتیبان و هم پیمان دیرینه این گروه، در برابر هندوستان از جمله در زمینه اختلافات دو کشور بر سر کشمیر تقویت می شود و به تلاش های هند برای برقراری مناسبات استراتژیک بهتر با افغانستان و ارتباط با آسیای میانه از راه بندر گواتر ایران و راه های زمینی افغانستان و ایران آسیب جدی می رسد.

روسیه با آن که مرز مشترک با افغانستان ندارد اما به سبب هم مرزی با شماری از همسایگان افغانستان که پیوندهای نزدیک اقتصادی و سیاسی با روسیه دارند و بخاطر دارا بودن منطقه های بی با ساکنان مسلمان و خطرات ناشی از رشد اسلام گرایی در کشورهای تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان و همچنین در روسیه در صورت بر سر کار آمدن دوباره ی طالبان در افغانستان، می کوشد با شرکت فعال در گفتگوهای جهانی و منطقه ای و همکاری با کشورهای آسیای میانه از آسیب های احتمالی دگرگونی های افغانستان بر منافع منطقه ای و جهانی اش بکاهد. برگزاری نشست چهار دولت روسیه، چین، آمریکا و پاکستان با دولت افغانستان و گروه طالبان در مسکو برای بررسی روند صلح در افغانستان در مارس ۲۰۲۱ را باید در این راستا ارزیابی نمود. در بیانیه پایانی نشست، چهار دولت اعلام کردند که با توجه به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۲۰ از ایجاد امارت اسلامی در افغانستان پشتیبانی نمی کنند و خواهان آنند که در توافق صلح میان طرف های افغان حقوق زنان و کودکان و اقلیت ها در افغانستان حفظ گردد. وزیر دفاع روسیه چندی پیش در سفر کوتاهی به تاجیکستان و ازبکستان برای رویارویی با خطر قدرت گیری طالبان در افغانستان به این دولت ها پیشنهاد همکاری نظامی داد. او در این زمینه گفت، با وخامت اوضاع در افغانستان ما مشغول برنامه ریزی برای رویارویی مشترک با تهدیدهای احتمالی هستیم. در این سفر روسیه و تاجیکستان توافق نامه ایجاد دفاع هوایی مشترک را امضا کردند. با اقدام های جنگی طالبان در هفته های گذشته وزارت دفاع تاجیکستان اعلام کرد که ارتش این کشور برای حفظ مرزها به حالت آماده باش درآمده است. ازبکستان اما در زمینه همکاری مشترک نظامی با روسیه خودداری عمل می کند و مدتی است که می کوشد پیوند نظامی نزدیک با روسیه نداشته باشد، رفتاری مشابه با آمریکا. ترکمنستان دیگر همسایه افغانستان پیوند نظامی با روسیه و آمریکا را نمی پذیرد. البته با شدت یابی درگیری ها در افغانستان و گسترش احتمالی فعالیت های سازمان های تروریستی اسلامی مانند تحریک طالبان پاکستان، لشکر طیبیه، تحریک اسلامی ازبکستان، تحریک اسلامی ترکستان شرقی و اسلامی گرایان تاجیک، امکان همکاری های نظامی در

شکل های گوناگون همانند سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ میان دولت ها فراهم تر خواهد شد. با توجه به پیشروی های طالبان در چند هفته اخیر، روسیه با چهره پشتیبانی از طالبان و برکناری دولت کنونی افغانستان هم به میدان آمده است. ضمیر کابلوف نماینده روسیه در امور افغانستان گفت که یک دولت انتقالی با شرکت طالبان و نمایندگان تاجیک ها و هزاره ها و ازبک ها و پشتون ها راه خروج از بن بست کنونی است. او دولت کنونی افغانستان را دست نشانده خواند و گفت که طالبان نمی خواهد با آنها مذاکره کند. این مقام روسی هم زبان با جمهوری اسلامی در باره دگرپرسی های مثبت طالبان و این که گذشت زمانه آنها را میانه روتر کرده است و آنها حق رسیدن به قدرت را دارند، سخن گفت.

با توجه به نقش پررنگ آمریکا و ناتو در افغانستان در دهه ی گذشته، جای چندانی برای نفوذ و فعالیت چین در این کشور وجود نداشت. برغم هم مرزی چین و افغانستان، افغانستان در پروژه جاده ابریشم جدید چین سهمی در خور نیافت و پاکستان به یک مکان مهم برای راه ابریشم از سوی چین انتخاب شد. دگرگونی های احتمالی توازن نیروها در افغانستان و قدرت گیری طالبان نگرانی هایی را در حکومت چین ایجاد کرده است و آنان را اگرچه بسیار آرام به میدان مناسبات درونی - بیرونی افغانستان کشانده است.

افزایش تنش ها در افغانستان کشور های اروپایی را که شماری از آنها به عنوان عضو ناتو با صرف هزینه های گزاف، در ۲۰ سال گذشته در افغانستان حضور داشتند با چالش هایی روبرو می سازد. دبیرکل ناتو و دیگر مقام های اروپایی بارها بر توافق بر پایه پیش شرط های مطمئن با طالبان برای خروج نظامی از افغانستان تاکید داشتند. هیکو ماس وزیر خارجه آلمان هم در مارس امسال گفته بود که «ما خواهان خروج با اتکا بر شرایط هستیم». اینک پس از اقدام آمریکا برای خروج که گویا با دیگر اعضای ناتو کاملن هماهنگ نشده بود، نظامیان اروپایی با شتاب از افغانستان خارج می شوند. ارتش آلمان آخرین افراد خود - ۱۱۰۰ نفر - را تا ۲۹ ژوئن تقریباً همزمان با تخلیه پایگاه مهم بگرام از سوی آمریکا، از افغانستان خارج کرد. آلمان پس از آمریکا بیشترین تعداد نظامیان را در افغانستان داشت و شمار کشته شدگان ارتش آلمان در دو دهه ۵۹ نفر بود. انگلستان هم که نقش مهمی در نیروهای ناتو در افغانستان به عهده داشت ۴۵۷ نفر از نظامیانش در دوده ی گذشته در افغانستان کشته شدند.

با توجه به مهاجرت بیش از یک میلیون افغان به اروپا در دو دهه ی گذشته، موضوع موج جدید مهاجرت افغان ها به اروپا در صورت بروز جنگ داخلی و یا بر سرکار آمدن طالبان، از دغدغه های اساسی دولت های اروپایی است. عدم حضور اروپا در افغانستان و تاثیرات استراتژیکی و ژئوپلیتیکی آن در منطقه و جهان و بهره بری احتمالی دیگر قطب های رقیب از جمله چین و روسیه و هندوستان از آن از دیگر دغدغه های آنهاست. برای آنان این پرسش مطرح می شود که آیا راه هایی وجود دارد که بدون حضور مستقیم نیروهای نظامی با شیوه های دیگری مانند استفاده از حمله های هوایی و پهپادی و دیگر شیوه های نظامی از راه دور از سقوط کابل و دیگر شهرها و چیرگی طالبان بر افغانستان پیشگیری نمود.

حکومت اسلامی ایران در چهار دهه ی گذشته همواره با رویدادهای افغانستان درگیر بوده است. با توجه به نقش طالبان در دوره های گوناگون در اوضاع افغانستان نوع کنش ها و واکنش های جمهوری اسلامی یکسان نبوده است. در سال های گذشته بارها موضوع روابط پنهان طالبان و جمهوری اسلامی و کمک تسلیحانی سپاه به طالبان از سوی آمریکا و ناتو مطرح شد. این ارتباط هنگامی که ملا اختر منصور رهبر طالبان در سال ۲۰۱۶ در بازگشت از ایران به پاکستان با حمله پهپادی آمریکا کشته شد بیشتر آشکار گشت. در سال ۲۰۱۸ هم جمهوری اسلامی موضوع دیدار نمایندگان طالبان از ایران را پذیرفت. در سال گذشته ملا برادر معاون سیاسی طالبان در تهران مهمان حکومت ایران بود. در دوره حکومت چند ساله طالبان بر افغانستان روابط دو حکومت واپسگرای اسلامی که هر دو داعیه کاربست شریعت را داشتند و در بوق دشمنی شیعه و سنی می دمیدند بسیار تیره بود و حتی یک بار در آستانه درگیری نظامی قرار گرفتند. طالبان بر سر تقسیم آب دو رودخانه هلمند و هریرود که سد بر آنها بسته شده است، با جمهوری اسلامی درگیر و مانع از جریان یافتن آب هیرمند به ایران شد. خروج ارتش آمریکا و دیگر هم پیمانان از افغانستان بدون بسته شدن یک قرارداد صلح مطمئن میان دولت افغانستان و طالبان و گسترش اقدامات جنگی طالبان با واکنش هایی از سوی جمهوری اسلامی همراه بود. شماری از رسانه های حکومتی از دگرگونی های مثبت مواضع طالبان و اعتدال آنان سخن می گویند و پیام همکاری و همسویی برای شان می فرستند. در آشفته بازار کنونی و روند بدتر شدن اوضاع، حکومت اسلامی می کوشد نقش رابط و میانجی میان دولت افغانستان و طالبان را بازی کند. جمهوری اسلامی در کنار مناسبات رسمی با دولت افغانستان رابطه پنهان با طالبان و گروه های شیعه مذهب و تاجیک های افغانی را هم ادامه می داد. جمهوری اسلامی با توجه به ابهام دگرگونی های پیش رو به استقرار نیروی نظامی در مرز افغانستان با خراسان نموده است. استقرار دوباره حکومت سنی طالبان چنانچه به رویارویی آنها با جمهوری اسلامی به عنوان حکومت رقیب شیعه بیانجامد برای مردم ایران و افغانستان و منافع ملی ما نتیجه های ناخوشایندی خواهد داشت و اگر آنها همکاری نکنند، همکاری دو حکومت اسلامی افراطی هم به زیان منافع مردم دوکشور و دموکراسی و آزادی و عدالت و زندگی مدرن در آنها خواهد

بود و در هر دو صورت، شرایط پایان بخشی به اسلام سیاسی و افراطی در منطقه و جهان دشوارتر و پرهزینه تر خواهد شد.

در روزهای ۷ و ۸ ژوئیه - نمایندگان دولت افغانستان و گروه طالبان، در تهران در باره ی آینده افغانستان با میانجی گری جمهوری اسلامی گفتگو کردند. در بیانیه پایانی، دو طرف از جمله بر نکته های زیر تاکید نمودند:

۱. هر دو جانب با درک مشترک از خطرات ناشی از ادامه جنگ و صدمه ای که از آن متوجه سلامت کشور می شود، به موافقه رسیدند که جنگ راه حل مساله افغانستان نبوده و باید همه ی تلاش ها در جهت رسیدن به راه حل سیاسی و صلح آمیز توجیه گردد.

۲. هر دو جانب تصمیم گرفتند مواردی را که ضرورت به مشورت و وضاحت بیشتر دارد مانند ایجاد مکانیزم گذار از جنگ به صلح دائمی، نظام اسلامی مورد توافق و نحوه دستیابی به آن طی نشست بعدی که در نزدیک ترین فرصت ممکن دایر خواهد شد مورد بحث قرار داده به نتیجه برسند.

۳. طرف ها نشست تهران را فرصت و زمینه جدید برای تقویت راه حل سیاسی معضل افغانستان می دانند.

افزون بر گفتگوها در تهران مذاکرات دو طرف در قطر پس از ماه ها وقفه در چند روز گذشته آغاز شد و نشست مشترک برگزار گردید. در همین راستا زلمی خلیل زاد نماینده آمریکا در مورد صلح میان افغانستان و طالبان روز ده ژوئیه اعلام کرد که «به دوحه برمی گردد تا توافق صلح بین جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان را پیگیری کند». آیا سفر او کمکی به دولت افغانستان در مهار طالبان خواهد بود؟ دولت آمریکا در توافق نامه با طالبان غیر از خروج با آرامش نظامیان خارجی از افغانستان و عدم همکاری طالبان با القاعده و داعش، همه ی موضوع هایی را که به سرنوشت مردم افغانستان مربوط می شود، یعنی چگونگی برقراری صلح میان دولت و گروه طالبان، چگونگی نقش طالبان در شرکت در قدرت سیاسی، تشکیل دولت جدید و برخورد با قانون اساسی، چگونگی حفظ حقوق زنان و آزادهای سیاسی و مدنی و مطبوعاتی در افغانستان و حقوق اقلیت های قومی و مذهبی را به گفتگوهای دوطرفه واگذار نمود، بدون گرفتن هیچگونه تضمینی از این گروه و اپسگرای تروریستی جنگ طلب اسلامی. بدین سان دست طالبان برای انجام هرگونه مانوری در این عرصه ها باز گذاشته شد. آزاد کردن ۵۰۰۰ جنگجوی عضو طالبان از زندان ها کمکی بزرگ به گروه طالبان از سوی آمریکا و ناتو بود که بر اساس ارزیابی ها حدود ۵۰۰۰۰ نفر نیروی مسلح دارد. این تقویت در شرایطی صورت می گیرد که ژنرال مکنزی فرمانده ارتش آمریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا - سدتکام - در اواخر آوریل امسال گفته بود ارتش افغانستان بدون پشتیبانی آمریکا فرو خواهد پاشید. یک نفر از نمایندگان مجلس افغانستان چندی پیش گفت، یکی از دلایل هایی که ما امروز به این سرنوشت دچار شدیم خروج بی قید و شرط نیروهای خارجی از افغانستان بود. البته باید شکایا بود و دید که آیا آمریکا و کشورهای ناتو، افغانستان را واقعا برای دیگر گرگ ها و کرکسان داخلی و خارجی رقیب برجای گذاشته اند. هر اهل سیاستی می داند که در گستره قدرت و امر سیاست داخلی و جهانی هرخلایی با شتاب از سوی دشمنان و رقیبان پر خواهد شد و اگر ایجاد خلاء، بی برنامه بوده باشد چالش ها و رویارویی های بسیاری را تا تعادل و توازن جدید با خود به همراه خواهد داشت

گزینه های احتمالی وضعیت کنونی، می تواند توافق دولت و طالبان بر سر سهیم شدن طالبان در قدرت باشد. اما این که یک گروه بنیادگرا و تروریست و جنگ طلب که خواستار اجرای شریعت اسلامی بر پایه فقه حنفی است چگونه با دولت کنونی افغانستان می تواند در باره قانون اساسی مشترک و سهیم شدن در قدرت به توافق دست یابد موضوعی است بسیار دشوار و بحث انگیز. گزینه دیگر جنگ دوطرفه و به میدان آمدن سایر نیروها - که به موردهایی از آن در بالا اشاره شد- و آغاز یک جنگ داخلی جدید در این کشور است، که نشانه هایی از آن دیده می شود. سومین گزینه تجزیه افغانستان و دو یا چند پارگی آن خواهد بود و بدترین گزینه، حکومت دوباره ی طالبان در افغانستان و تشکیل امارت اسلامی است، آنچه که برای مردم افغانستان و دیگر کشورهای منطقه و از آن میان مردم ایران فاجعه خواهد بود. طالبان همانند همه ی گروه های تندرو و واپسگرای اسلامی در پی اجرای شریعت اسلامی و استقرار خلافت اسلامی بر پایه خشونت و تسلیم است و با کثرت گرایی اجتماعی و سیاسی و رواداری و دمکراسی و اصول جهانی حقوق بشر و حقوق زنان و انتخابات آزاد بشدت مخالف است. با شکل گیری حکومت جدید در افغانستان، در دوده گذشته، یک جمهوری پارلمانی شکننده بر پایه انتخابات همگانی و تشکیل مجلس نمایندگان با شرکت حزب ها و گروه های سیاسی شکل گرفت و زنان با داشتن حق رای و حق انتخاب شدن در این روند شرکت داشتند، در مجلس کنونی حدود ۲۷ درصد نمایندگان را بانوان تشکیل می دهند. رسانه ها و نهاد مدنی تا حدودی از آزادی بهره مندند اگر چه تا یک دمکراسی واقعی و نیرومند پارلمانی هنوز فاصله بسیار زیادی هست. طالبان برپایه خوانش افراطی ارتجاعی اسلامی خود، هیچ حقی برای دختران و زنان قائل نیست، در سال ۱۹۹۹ در سومین سال حکومت طالبان در دبیرستان ها و دانشگاه ها حتی یک دختر دانشجوی حضور نداشت. اکنون نزدیک به ۳/۵ میلیون دختر افغان در مدرسه ها درس می خوانند و شمار زیادی از بانوان

جوان هم در دانشگاه‌ها آموزش می‌بینند. با توجه به ممنوع بودن کار برای زنان از دیدگاه قانون شریعت طالبان و این که زنان حتی حق بیرون رفتن از خانه را بدون اجازه و همراهی یک مرد خانواده ندارند، در دوران ۵ ساله حکومت طالبان هیچ زنی در دولت و یا سایر بخش‌ها مشغول به کار نبود. بر وفق آمار سازمان ملل اکنون ۲۰ درصد کارکنان دولت افغانستان را زنان تشکیل می‌دهند و در سایر عرصه‌ها هم، زنان مشغول به کار هستند. اگرچه هنوز حدود ۳/۵ میلیون کودک افغان که حدود ۶۰ درصد آنان دختر هستند همچنان از جمله به سبب فقر و نبود امکانات آموزشی به مدرسه نمی‌روند، طبق گزارش سازمان ملل بیش از سی درصد مردم افغانستان در سطح فقر شدید قرار دارند و با کمبود مواد غذایی روبرو هستند. بر سر کار آمدن طالبان به معنای تعطیلی دستگاه حقوقی و پارلمان و هنر و ادبیات و سینما و تئاتر و موسیقی و عکاسی و نابودی حقوق زنان در افغانستان است.

باید در شکیب رخدادهای آینده بود و دید که آیا دولت‌های ترامپ و بایدن، همانند دولت کارتر که در توافق پس پرده با خمینی در واگذاری ارتش و ساواک حکومت پهلوی به او در هموارسازی بر سر کار آمدن حکومت ولایت فقیه نقشه اساسی و کلیدی بازی کرد با وعده و وعیدهای احتمالی طالبان که در چارچوب استراتژی آمریکا در منطقه عمل خواهد کرد به توافق‌هایی رسیده‌اند و آیا طالبان در اتحاد احتمالی با پشتون‌هایی که امروز بخش اصلی قدرت در دولت افغانستان را در دست دارند و شریک شدن در کمک‌های چندین میلیارد دلاری آمریکا و متحدان به دولت آینده افغانستان به رغم عقب‌نشینی نظامی آمریکا و همپیمانانش از افغانستان، در چارچوب سیاست‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی آنان در برابر چین، روسیه، هندوستان و جمهوری اسلامی عمل خواهد کرد و یا عقب‌نشینی آمریکا پذیرش شکست یک دخالت نظامی بیست ساله‌ی ناموفق است، بی‌آنکه در استراتژی منطقه‌ای آمریکا دگرگونی اساسی پدید آید. اگرچه با توجه به وضعیت چند قطبی شدن جهان و هم‌مرزی افغانستان با چین و کشورهای نزدیک به روسیه در آسیای میانه و پاکستان و جمهوری اسلامی، بعید می‌نماید که آمریکا به آسانی از این بخش از آسیای غربی دست بکشد و میدان را به رقیبان و دشمنان تعریف شده از سوی حکومت و دستگاه قدرت در آمریکا واگذار نماید.

ویتگن اشتاین فیلسوف پرآوازه‌ی اتریشی سده بیستم زمانی نوشت، آنچه را که در باره اش نمی‌توان سخن گفت، بایسته است که سکوت اختیار کرد. البته کار بست همه سویه‌ی این سخن او کار را بر بسیاری از ما تحلیلگران سیاسی به سبب در دست نداشتن خبرها و اطلاعات دست اول و بعضاً پنهان و همچنین نقشه راه‌های درازآهنگ قدرت‌های بزرگ جهانی دشوار می‌سازد، اما بدون بررسی‌ها و گمانه‌زنی‌های استراتژیک و ژئوپلیتیک، روزنه‌های کوچک نظری و عملی امر سیاسی بسته خواهد ماند.

برلین ۱۸،۷،۲۰۲۱